

دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده علوم انسانی
پایان نامه کارشناسی ارشد مدرسی اقتصاد

موضوع:

اسلام و عوامل فرهنگی موثر بر توسعه اقتصادی

نگارش: میثم موسائی

استاد راهنما: دکتر حمید ابریشمی

استاد مشاور: دکتر مرتضی قره باغیان

سال تحصیلی: بهار ۱۳۷۳

فهرست مطالب

پیشگفتار

الف - ضرورت تحقیق

ب - فرضیه و روش تحقیق

فصل اول

طرح مسئله (مقدمه ای درباره دین و توسعه)

۱-۱- اسلام و توسعه

پاورقی فصل اول

فصل دوم

تعریف مفاهیم

۱-۲- فرهنگ

۱-۱-۲- تعریفهای تشریحی

۲-۱-۲- تعریف های تاریخی

۳-۱-۲- تعریفهای هنجاری (Normative)

۴-۱-۲- تعریفهای روانشناختی (psychological)

۲-۱-۵- تعریفهای ساختاری (Structural)

۲-۱-۶- تعریفهای تکوینی (Genetics)

۲-۲- توسعه اقتصادی

۲-۳-۱- تعریف به چه معناست؟

۲-۳-۳- تعاریف و علوم اجتماعی

۲-۴- ملخص و نتیجه

۲-۵- مراد ما از فرهنگ

۲-۶- مراد ما از توسعه اقتصادی

۲-۶-۱- راه غربیان رفتن نه ممکن است نه مطلوب

۲-۶-۲- شاخص های توسعه اقتصادی

پاورقی های فصل دوم

فصل سوم

تاثیر فرهنگ بر اقتصاد

۳-۱- نقش فرهنگ در نوع کالاهای تولیدی

پاورقیهای فصل سوم

فصل چهارم

عوامل فرهنگی موثر بر توسعه

۴-۱- توجه به عوامل غیر اقتصادی

۴-۲- رابطه فرهنگ و توسعه

۴-۳- ضرورت تحول فرهنگی

۴-۴- تجربه سایر کشورهای توسعه یافته

۴-۵- دلایل تقدم تحولات فرهنگی بر توسعه اقتصادی

۴-۶- همه عناصر فرهنگ غرب توسعه نیست

۴-۷- پیشنیازهای فرهنگی توسعه اقتصادی

۴-۷-۱- نگرش مطلوب و معقول نسبت به دنیا و مظاهر آن

۴-۷-۲- نگرش و برخورد علمی با مسائل و اهمیت به نقش عقل

۴-۷-۳- اعتقاد به آزادی اندیشه

۴-۷-۴- اعتقاد به برابری انسانها و احترام به حقوق دیگران

۴-۷-۵- لزوم نظم پذیری جمعی

۴-۷-۶- عدم تعارض فرهنگی در جامعه

۴-۷-۷- اعتقاد به توسعه

پاورقیهای فصل چهارم

فصل پنجم

دین و دنیا

۵-۱- مقدمه

۵-۲- دنیا در قرآن و احادیث

۵-۳- فقر از دیدگاه اسلام

۵-۳-۱- فقر ذاتی

۵-۳-۲- فقر به معنای نیاز انسانها بهیکدیگر

۵-۳-۳- فقر نفس

۵-۳-۴- فقر مالی و تهیدستی

۵-۴- زهد و ابعاد آن

۵-۴-۱- تفاوت زاهد و راهب

پاورقی های فصل پنجم

فصل ششم

عقل ، علم و دین

۶-۱- نقش عقل در توسع به معنای امروزی

۶-۱-۱- جایگاه عقل در اسلام

۶-۲- اسلام و نگرش علمی

۶-۲-۱- منظور از نگرش علمی چیست؟

۶-۲-۲- چرا نگرش علمی از عوامل موثر بر توسعه اقتصادی است؟

۶-۲-۳- تجربه غرب

۶-۲-۴- جایگاه علم در اسلام

۶-۲-۵- دانش در نزد مسلمین

پاورقی های فصل ششم

فصل هفتم

اسلام و سایر عوامل فرهنگی موثر بر توسعه اقتصادی

۷-۱- اسلام و آزادی اندیشه

۷-۲- اسلام و اعتقاد به برابری انسانها و رعایت حقوق دیگران

۷-۳- اسلام و نظم پذیری

۷-۴- عدم تعارض فرهنگی در جامعه

- ۷-۵- اعتقاد به توسعه
- ۷-۶- عناصر فرهنگیمساعد توسعهدر اسلام
- ۷-۶-۱- فرهنگ کار و تولید در اسلام
- ۷-۶-۲- پیوستگی و رابطه مادیت و معنویت
- ۷-۶-۳- دعوت اسلام به تجمل و آراستگی
- ۷-۶-۴- حرمت اسراف و تبذیر
- ۷-۶-۵- موظف شدن مسلمان به آباد کردن زمین
- ۷-۶-۶- مذمت فقر مالی در اسلام
- ۷-۶-۷- مبارزه با خرافات
- ۷-۶-۸- دعوت به تعقل
- ۷-۶-۹- حجیت وملاک بودن خرد بشری
- ۷-۶-۱۰- فراخوان اسلام به علوم ، فنون وصنایع
- ۷-۶-۱۱- تشویق به روشهای تجربی
- ۷-۶-۱۲- رعایت نظم و برنامه ریزی
- ۷-۶-۱۳- دعوت اسلام به "محکم کاری"
- ۷-۶-۱۴- اعتقاد به جامعه آرمانی
- ۷-۶-۱۴- دعوت مسلمانان به داشتن روحیه اقتباس خلاق از دیگران
- ۷-۶-۱۵- انعطاف فقه نسبت به توسعه
- ۷-۶-۱۶- اعتقاد مسلمانان به داشتن قدرت وعزت
- ۷-۶-۱۷- عناصر مساعد در فرهنگ اسلامی
- پاورقی های فصل هفتم

فصل هشتم

نتیجه گیری و پیشنهادات

پیشنهادات

۱-۱- تحقیقاتی که جنبه نظری و بنیادی دارند

۱-۲- آن تحقیقاتی که جنبه کاربردی می توانند داشته باشند

منابع و مأخذ

چکیده :

این تحقیق ، درصدد یافتن پاسخ برای این پرسشهاست : چه رابطه ای بین فرهنگ و توسعه اقتصادی وجود دارد؟ فرهنگ توسعه دارای چه ویژگیهایی است؟ آیا اسلام با فرهنگ توسعه و به عبارت دقیق با عوامل فرهنگی موثر بر توسعه اقتصادی در تعارض است یا نه ؟

از آنجا که پاسخ به سئوالات فوق تا اندازه زیادی بستگی به تعاریف ما از فرهنگ و توسعه دارد لذا بعد از اینکه در فصل اول به طرح موضوع پرداخته ایم ، فصل دوم از تحقیق حاضر را به تعریف مفاهیم تحقیق اختصاص داده ایم. سپس برای پی بردن به رابطه فرهنگ و توسعه اقتصادی ، ابتدا رابطه فرهنگ و اقتصاد مورد ارزیابی قرار گرفته چرا که توسعه اقتصادی را به یکی از وجوه توسعه اطلاق کرده ایم ، سپس روابط خاص بین فرهنگ و توسعه و عوامل فرهنگی موثر بر توسعه اقتصادی در فصل چهارم بررسی شده و از بررسی مجموع عوامل فرهنگی ذکر شده برای توسعه اقتصادی ، به این نتیجه رسیده ایم که عوامل اصلی فرهنگی موثر بر توسعه اقتصادی به شرح زیر است:

- ۱- نگرش مطلوب و معقول نسبت به دنیا و مظاهر آن
- ۲- نگرش و برخورد علمی با مسائل و اهمیت به نقش عقل
- ۳- اعتقاد به آزادی اندیشه
- ۴- اعتقاد به برابری انسانها و احترام به حقوق دیگران
- ۵- لزوم نظم پذیری جمعی
- ۶- عدم تعارض فرهنگی در جامعه
- ۷- اعتقاد به توسعه و باور به پویایی اجتماع

درمیان عوامل فوق ، عامل اول و دوم برجسته تر از سایر عوامل ارزیابی شده است و لذا فصل پنجم را به عامل اول و فصل ششم را به عامل دوم اختصاص داده ایم و در فصل آخر نیز سایر عوامل مورد بررسی قرار گرفته و با مرجعه به متون معتبر دینی ، نگرش اسلام را نسبت به تک تک این عوامل یادآوری شده و به این نتیجه رسیده ایم که اسلام با این عوامل فرهنگی موثر بر توسعه اقتصادی نه فقط تعارضی ندارد ، بلکه عناصر مساعدی در آن وجود دارد که می توان با تکیه بر آنها به توسعه و بالاخص به توسعه اقتصادی کمک رساند . بعضی از این عناصر مساعد از این قرار است:

۱. فرهنگ کار و تولید در اسلام
۲. پیوستگی بین مادیت و معنویت در اسلام
۳. دعوت به زیبایی و آراستگی
۴. حرمت اسراف و تبذیر
۵. موظف شدن مسلمانان به آباد کردن زمین
۶. مذمت فقر مالی در اسلام
۷. مبارزه با خرافات

۸. دعوت به تعقل
۹. حجیت و ملاک بودن خرد بشری
۱۰. تشویق روشهای تجربی در اسلام
۱۱. فراخوان اسلام به علوم ، فنون و صنایع
۱۲. رعایت نظم و برنامه ریزی
۱۳. اعتقاد به جامعه آرمانی
۱۴. دعوت کردن اسلام به " محکم کاری "
۱۵. انعطاف فقه نسبت به توسعه
۱۶. دعوت مسلمانان به داشتن روحیه اقتباس خلاق از دیگران
۱۷. اعتقاد مسلمانان بهداشتن قدرت و عزت
۱۸. سایر عناصر فرهنگی مانند:دفاع از حقوق ، آزادی ها ، عدالت ، برابری صلح ، همزیستی و

. ...

از مجموع مباحث این رساله به این نتیجه رسیده ایم که اسلام نه فقط مخالف عناصر فرهنگی موثر بر توسعه اقتصادی نیست ، بلکه به صورت بالقوه، در بطن خود دارای عناصری است که احیای آنها می تواند توسعه برانگیز باشد (و این فرضیه تحقیق ما بود) احیای این عناصر و دهها عنصر دیگر در فرهنگ دینی باعث خواهد شد که مسلمانان بتوانند به همه جنبه های مثبت توسعه اقتصادی در غرب ، نائل شده و بعلاوه از همه عناصر منفی آن نه فقط به دور باشند بلکه جامعه ای داشته باشند که در هم ابعاد انسانی پیشرو مستقل ،الگو و نمونه باشد.